

درگذشتِ حق شناس

اندازه مثبت ارزیابی می‌کرد. شاید برخی جور او را که «حبیب» بود خوش تر می‌داشتند تا رعایت‌اش را! یعنی واقعاً می‌خواستند ملاحظه کمتری در نقد آثارشان داشته باشد. البته تصور می‌کنم در چند سال اخیر در کار نقد صریح تر شده بود.

اما آن چه برای حق شناس از همه چیز مهم تر بود، نفس زندگی بود. او غایت زندگی را خود زندگی می‌دانست. کوچک ترین چیزها او را به وجد می‌آورد یا غمگین می‌کرد. زندگی را بسیار دوست داشت و آدم‌ها را با تنوع و گوناگونی‌شان. خلق از نظر او همه نهال باغ خدا بودند. مردم از هر قشری، به ویژه طبقات پایین، مورد مهرش بودند و از معاشرت با آن‌ها بدون آن که تظاهر کند لذت می‌برد. می‌گفت روشنفکران نباید از مردم فاصله بگیرند.

چند سالی بود که در روستای «سنگ سرک» کلاردشت و یلایی ساخته بود و بخش عمده‌ای از اوقاتش را در آن جا می‌گذراند. به ویژه پس از بازنشستگی خوشحال بود که فراغت بیشتری دارد که در آن جا بماند. «سنگ سرک» و روستای جنب آن «بنفشه ده» را بسیار دوست داشت و به طنز آن جا را «اطوار دره» می‌نامید. چون در طول یک روز هوای آن ناحیه ممکن است آفتابی، ابری، بارانی و مه آلود شود. همین علاقه‌مندی بود که سبب شد بخواهد تا پیکرش در «سنگ سرک» به خاک سپرده شود.

سال گذشته که نمی‌دانستم چندماهی بیشتر برای دیدار او فرصت نیست چند بار او را دیدم. در یکی از روزهای پاییز در «اطوار دره» به خانه دوستی که من ساکن بودم آمد. برای ناهار ماهی کباب کرد و نشستیم و از هر دری حرف زدیم. بعد هم در مجلس ختم مادر دوستی او را دیدم. همان روز از مقاله‌ای که در نقد آگاه نوشته بودم برایم گفت و اظهار علاقه کرد نظرم را بداند. آخرین دیدارم با او روزی در اواسط یا اواخر زمستان بود که در پژوهشگاه به من سر زد. مقاله‌اش را خوانده و بسیار پسندیده بودم و به او گفتم. مقداری گفتیم و خندیدیم با امید به دیدار بعدی.

شب دهم اردیبهشت ماه دوستی تلفن کرد و با اندوه خبر درگذشت او را داد. برایم باورکردنی نبود، به ویژه که از بیماری‌اش هم اطلاع نداشتیم. گویا در یکی دو ماه پیش از درگذشتش بیماری بر او غلبه کرده بود. روزی که برای تشییع پیکرش به مقابل بیمارستان پیامبران رفتم، با وجودی که بیمارستانی دورافتاده در غرب تهران بود، جمعیت انبوهی را دیدم که آمده بودند. حق شناس وقتی در سوگ مهرداد بهار در پژوهشگاه سخن می‌گفت به حضور خودجوش بسیاری از افراد در تشییع پیکر او اشاره کرد و آن را به نوعی با شرکت مردم در

دکتر علی محمد حق شناس را تصور می‌کنم نخستین بار در سال‌های آغازین دهه شصت در «مرکز نشر دانشگاهی» دیدم. ملایمت و نرم‌خویی او به انسان سرایت می‌کرد و فرد در جوارش به آرامش می‌رسید. نحوه سخن گفتن‌اش به گونه‌ای بود که مخاطب تصور می‌کرد زحمت زیادی برای بیان هر واژه می‌کشد! برخی واژه‌ها را می‌کشید. پس از آشنایی اولیه در طی دورانی نزدیک به ۳۰ سال گه‌گاه او را می‌دیدم. گاهی بیشتر و زمانی کمتر. می‌شد که به واسطه پراکندگی ایام دو، سه سالی هم او را نبینم. وقتی حق شناس را بهتر شناختم، دریافتم که آدم بسیار حساسی است. ادب و آرامش و در عین حال شوخ طبعی‌اش انسان را فریب می‌داد. تصور می‌کردم بسیاری چیزها برای او اهمیتی ندارد، ولی این‌گونه نبود. گاه چیزهایی بسیار ساده او را می‌آزرد. آدمی مأخوذ به حیا هم بود.

حق شناس متولد ۱۳۱۹ در جهرم بود ولی گویا بزرگ شده لار بود. پس از تحصیل دانشگاهی در ایران به انگلستان رفت و دکترای زبان‌شناسی گرفت. نخست در «دانشگاه ملی ایران» که اکنون شهید بهشتی نامیده می‌شود تدریس کرد و پس از چندی به دانشگاه تهران رفت و در دانشکده ادبیات به تدریس زبان‌شناسی پرداخت. چند سال پیش از همین دانشگاه بازنشسته شد.

او استادی شاخص، محبوب دانشجویان و پُرکار بود. آثار جوانان را جدی می‌گرفت. به وقت فروشی در مؤسسات نمی‌پرداخت. نگاهی باز و تر به جهان داشت. در شیوه زندگی پیرو سادگی بود، از پوشاک گرفته تا خانه و... حق شناس به چندین هنر آراسته بود. هم‌پای زبان‌شناسی، به ادبیات و نقد ادبی نیز علاقه‌مند بود. به اندیشه‌ها و حرف‌های نو کنجکاو بود. شاید یکی از معدود استادانی بود که تأثیرش به حوزه دانشگاه و چند کتاب درسی‌اش محدود نماند. علاقه‌های متنوع او هم باعث جامعیتش شده بود و هم سبب شده بود میان گروه وسیع تری شناخته و آثارش خوانده شود. در ایران به دلیل ضعف دانشگاه‌ها در ارائه اندیشه‌ها و حرف‌های نو در زمینه علوم انسانی، کار ارائه ایده‌ها و اندیشه‌های نو به دست روزنامه‌نگاران می‌افتد که معایب و آسیب‌های خود را دارد. حضور حق شناس به عنوان فردی آکادمیک در فضاهای خارج از دانشگاه مغتنم بود. به نقد آثار می‌پرداخت، از ترجمه نجف دریابندری گرفته تا شعر سیمین بهبهانی و کارهای نویسندگانی چون فریبا وفی و زویا پیرزاد و در هیئت داوری رمان و داستان هم حضور داشت. و البته تدریس و تألیف و ترجمه آثار بنیادین در حوزه زبان‌شناسی را کار اصلی خود می‌دانست. کارهای دیگران را اغلب با نظری مثبت و گاهی بیش از



علی محمد حق شناس

سوگواری برای اخوان ثالث مشابه دانست و تازه اخوان بسیار مشهور تر از بهار بود که شخصیتی آکادمیک بود. در برابر بیمارستان پیامبران یاد این حرف او افتادم. این جمعیت انبوه تنها برای وداع با یک زبان شناس یا ادیب نیامده بودند و بیش از هر چیز برای وداع با یک انسان آمده بودند که انسانیت را مقدم بر همه چیز می دانست.

در پایان این سوگ یاد باید به همسر دکتر حق شناس ادای احترام کرد و به او تسلیت گفت. بی گمان در آن چه حق شناس توانست انجام دهد بانوروت مری ژاکلین نقشی عمده داشته است. هر کس ملاقاتی با این بانوی فرهیخته و مهربان ایرلندی کرده تحت تأثیر شخصیت او، به ویژه بی تکلفی اش قرار گرفته است.

حق شناس رشته ای بود که بسیاری را به هم می پیوست و ارتباط شان را با زندگی محکم می کرد. این رشته به ناگاه گسسته شد. در غیبت او «اطوار دره» غمگین و خانه زبان و ادبیات ابری است.

فزخ امیر فریار

آثار نشر یافته حق شناس به ترتیب تاریخ انتشار

همان گونه که اشاره شد دکتر حق شناس علائق و مطالعات گسترده ای داشت و این ویژگی در آثار نشر یافته او انعکاس یافته است. آثار وی تالیف و ترجمه در حوزه زبان شناسی، ادبیات و نقد ادبی، داستان و سرایش شعر را در بر می گیرد. وی مقاله هم می نوشت و شماری از آن ها را که به نظر خودش ارزش ماندگارتری داشته اند در دو مجموعه به صورت کتاب منتشر کرده است.

پرمخاطب ترین اثر حق شناس فرهنگ معاصر هزاره است که تألیف آن نقطه عطفی در فرهنگ نویسی انگلیسی به فارسی محسوب می شود. لازم می داند درباره سه اثر نخست که در این فهرست آورده شده توضیح مختصری داده شود.

آواشناسی نخستین اثر حق شناس است که در سی و هفت سالگی وی منتشر شده و به نوشته خود او نخستین کتابی است که منحصرأ در این زمینه به فارسی نوشته شده است. دومین کتاب **بازگشت و دیالکتیک در تاریخ** رساله کم حجمی است که شاید بتوان آن را یکی از نخستین کوشش ها در زمینه تبیین انقلاب اسلامی از دیدگاهی متفاوت با دیدگاه های مسلط آن دوران دانست. سومین کتاب **پند و دستان یاب** که ظاهراً تنها یک دفتر از آن منتشر شده است. این کتاب دو بخش دارد. در بخش اول ضرب المثل های فارسی از واژه آب تا بسا به ترتیب حروف الفبا آورده شده و بخش دوم نمایه موضوعی این ضرب المثل هاست. یعنی خواننده می تواند اگر در موضوعی به دنبال ضرب المثلی است آن را بیابد.

۱. **آواشناسی** (آگاه، ۱۳۵۶)

۲. **بازگشت و دیالکتیک در تاریخ**؛ همراه با نگاهی کوتاه به علل پیدایش و آینده انقلاب اسلامی ایران (پخش از آگاه، ۱۳۵۸).

۳. **پند و دستان یاب**. با همکاری جامی شکیبی گیلانی (بی نا، ۱۳۶۵)

۴. **بودگانی ها** (پارسی، ۱۳۶۸)

۵. **رمان به روایت رمان نویسان**. نوشته میریام آلوت (نشر مرکز، ۱۳۶۸)

۶. **تاریخ مختصر زبان شناسی**. رابرت هنری روبینز (نشر مرکز، ۱۳۷۰)

۷. **مقالات ادبی زبان شناختی**. (نیلوفر، ۱۳۷۰)

۸. **تولستوی**. هنری گیفورد (طرح نو، ۱۳۷۱)

۹. **وطن فروش**. ویلیام سامرست موام (نشر مرکز، ۱۳۷۲)

۱۰. **بودا**. مایکل کریدرز (طرح نو، ۱۳۷۲)

۱۱. **سروانتس**، پیر ادوارد راسل (طرح نو، ۱۳۷۳)

۱۲. **زبان**. ادوارد ساپیر (سروش، ۱۳۷۶)

۱۳. **بودن در شعر و آینه** (توتیا، ۱۳۷۷)

۱۴. **زبان**. لئونارد بلوم فیلد (مرکز نشر دانشگاهی، ۱۳۷۹)

۱۵. **فرهنگ معاصر هزاره**؛ انگلیسی - فارسی با همکاری حسین سامعی و نرگس انتخابی (فرهنگ معاصر، ۱۳۸۰)

۱۶. **زبان و ادب فارسی در گذرگاه سنت و مدرنیته** (آگاه، ۱۳۸۲)

۱۷. **تاریخ زبان شناسی**. پیتر سورن. (سمت، ۱۳۸۷)

۱۸. **مکاتب زبان شناسی نوین در غرب** (سمت، ۱۳۸۷)

حق شناس در تألیف برخی کتاب های درسی رسمی آموزش و پرورش در زمینه زبان نیز مشارکت داشته است.